

تبیین رابطه زیرساخت فناوری اطلاعات و ظرفیت مدیریت دانش با نقش تعدیل کنندگی تعهد منابع مطالعه موردی، شرکت سیمان داراب

محمود رضا عابدی^۱، ابراهیم نگهداری^۲

^۱دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، Mraabedi@yahoo.com
^۲دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ebrahim.negahdari@gmail.com

چکیده

امروزه نقش فن آوری اطلاعات در مدیریت دانش به گونه ای است که عملکرد کلی سازمان ها را تحت تاثیر خود قرار می دهد و در بسیاری از موارد فناوری اطلاعات سبب تغییر فرآیندهای سازمان می گردد. اطلاعات محدودی در مورد انواع مختلف منابع فن آوری اطلاعات که توصیف کننده رابطه بین آنها باشد موجود است. برای این منظور ضمن معرفی دو دیدگاه پژوهشی نو ظهور در مدیریت دانش، آنها را ترکیب نموده و ادبیات ارتباط فن آوری اطلاعات-مدیریت دانش را با بررسی نقش تعدیل کننده تعهد منابع بیان گردیده است. جامعه آماری این پژوهش مدیران و کارشناسان شرکت سیمان داراب می باشد. بر اساس مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه تهیه گردیده در اختیار نمونه های جامعه آماری قرار گرفت. از تکنیک ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی چندگانه جهت بررسی ارتباط جفت متغیرها و وابستگی متغیر مدیریت دانش با دو یا چند متغیر مستقل استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می دهد، منابع زیرساخت فن آوری اطلاعات، بر ظرفیت مدیریت دانش تاثیر مثبت دارند، همچنین تعهد منابع به طور مستقیم و مثبت ظرفیت مدیریت دانش را بهبود می بخشد.

واژه های کلیدی

زیرساخت فن آوری اطلاعات، ظرفیت مدیریت دانش، تعهد منابع، شرکت سیمان داراب

مقدمه

توسعه فن آوری اطلاعات و مدیریت دانش در ایجاد مزیت رقابتی، یکی از نگرانی های پیشرو مدیران و محققان بوده است. دنیای روبه تغییر امروزه، ظرفیت مدیریت دانش و ظهور حاصل از فن آوری اطلاعات را به عنوان صلاحیت اصلی برای سازمان ها به منظور افزایش عملکرد فردی، نوآوری، قابلیت های سازمانی، و مزیت رقابتی بدل می کند

در دنیای رو به پیشرفت امروزی، ظرفیت مدیریت دانش و نوآوری های حاصل از فن آوری اطلاعات به عنوان عواملی تاثیرگذار در افزایش عملکرد فردی، نوآوری، قابلیت های سازمانی و مزیت رقابتی می باشد. بررسی و کنکاش در پژوهش های پیشین دو شکاف تحقیقاتی را نمایان می کند

در آغاز، با توجه به نامشخص بودن روابط انواع مختلف منابع فن آوری اطلاعات و ظرفیت مدیریت دانش در تحقیقات گذشته، نیاز به تحقیقات گسترده تری در این زمینه وجود دارد. دیدگاه مبتنی بر منابع، فن آوری اطلاعات را به عنوان یک منبع سازمانی ارزشمند و قابل دسترس می بیند که طیف وسیع و عمیقی از جریان دانش را برای ایجاد ظرفیت بالای مدیریت دانش فراهم می سازد (وید و هولند، ۲۰۰۴). شواهد و استدلال های صورت پذیرفته توسط محققان حاکی از آن است که ظرفیت مدیریت دانش می تواند از برنامه های فن آوری اطلاعات بهره مند شوند. برای این منظور بیشتر سازمانهای بزرگ بر روی جنبه های فنی و فرآیندهای مرتبط با پیاده سازی مدیریت دانش سرمایه گذاری می کنند

با این حال عده ای از محققین ادعا می کنند که استفاده از فن آوری اطلاعات با موفقیت در نوآوری ها و ابتکارات مدیریت دانش در ارتباط نیست و از فن آوری اطلاعات تنها باید در صورت نیاز استفاده نمود (مک درموت، ۱۹۹۹؛ محمد و همکاران، ۲۰۰۶). اینکه کدام نوع از منابع فن آوری اطلاعات، می تواند موجب بهبودی ظرفیت مدیریت دانش شود ناشناخته مانده است. شمن اینکه انواع مختلف منابع فن آوری اطلاعات دارای ویژگی های متفاوتی هستند که می توانند به نتایج و اثربخشی های مختلف منجر شوند،

بنابراین، سطوح مختلف ظرفیت مدیریت دانش ممکن است متاثر از منابع زیرساخت فن آوری اطلاعات باشد. در همین منوال، هدف این مطالعه کاوش درباره نحوه اثر منابع زیرساخت فن آوری اطلاعات بر ظرفیت مدیریت دانش می باشد

دوم اینکه، مطالعات تحلیل جامعی از اثرات عوامل فنی و اجتماعی - مدیریتی بر مدیریت دانش را ارائه نداده است. دو جریان پژوهشی در ادبیات قبلی در مورد اثرات منابع فن آوری اطلاعات ارائه شده است. یک جریان تحقیقاتی از دیدگاه فنی برمی آید و بیان می دارد فرآیندهای مدیریت دانش توسط زیرساخت ها، تکنیک ها و سیستم های پشتیبانی می شوند. سیستم های فنی درون یک سازمان نحوه اکتساب، به اشتراک گذاری، و ذخیره سازی دانش را تعیین می نمایند (گلد و همکاران، ۲۰۰۱؛ تانریوردی، ۲۰۰۵). جریان دیگر از دیدگاه مدیریتی - اجتماعی بر می خیزد. در این دیدگاه، با توجه به محدود بودن دانش به انسان، مدیریت دانش تحت تاثیر فرهنگ سازمانی، جو، پشتیبانی مدیریتی، اعتماد و تعهد قرار می گیرد (علوی، کیورث ولیدنر، ۲۰۰۵؛ باک، مود، کیم، و لی، ۲۰۰۵؛ لی و چوی